

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## انواع تعقیبات

### ۱. تکبیرات اختتامیه

اولین تعقیبی که غالب افراد به آن موفق‌اند، سه تکبیری است که بعد از سلام نماز گفته می‌شود؛ چون نماز با سلام تمام می‌شود، سه «الله اکبر» پس از سلام جزء تعقیبات نماز محسوب می‌شوند و از مستحبات‌اند.

امام باقر علیه السلام فرمودند: «إِذَا سَلَّمْتَ فَارْفَعْ يَدَيْكَ بِالتَّكْبِيرِ ثَلَاثًا<sup>۱</sup>؛ وقتی سلام نماز را دادی، سه بار دو دست را همراه با تکبیر گفتن بلند کن و بالا بیاور. سه بار بگو: «الله اکبر»، «الله اکبر»، «الله اکبر».

### ادب تکبیرات اختتامیه

تکبیرات اختتامیه را درست به جا بیاوریم. گاهی اوقات دیده‌ام، برخی اشخاص دستشان را دو، سه سانتی‌متر از روی پایشان بلند می‌کنند و روی پایشان می‌کوبند. این ادب تکبیر نیست. در تکبیر باید دست‌ها تا محاذات گوش بالا بیاید؛ یا گاهی اوقات دیده‌ام هنگام گفتن تکبیرها دست خود را به سمت راست و چپ خود متمایل می‌کنند. من نمی‌فهمم این کار یعنی چه؟ ابداعات و ابتکاراتی است که بعضی‌ها انجام داده‌اند و دیگران هم تقلید کرده‌اند. مثلاً پدرش این‌گونه نماز می‌خوانده، او هم از بچگی دیده است پدرش تکبیر بعد از نماز را این‌گونه می‌گوید؛ او هم آن‌گونه یاد گرفته است. درحالی‌که امام باقر علیه السلام

<sup>۱</sup>. مجلسی، بحار، ج ۸۳، ص ۲۲ و محدث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۵، ص ۵۲ و فیض‌کاشانی، وافی، ج ۸، ص ۷۹۲.

فرمودند: «فَارْفَعْ يَدَيْكَ» هر دو دستت را بلند کن. «بِالتَّكْبِيرِ ثَلَاثًا» سه بار این کار را انجام بده. در هر تکبیر باید دستها تا محاذات گوش بالا بیاید؛ کف دستها هم رو به قبله باشد. دستها تا جایی بالا می‌آید که کف دستها رو به قبله قرار گیرد. این ادب تکبیر گفتن در حرکت دست است. مستحب است بعد از این سه تکبیر، دعای تعقیب که: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ...»<sup>۲</sup> خوانده شود؛ که بحث آن جدا است.

### معانی مختلف تکبیرات اختتامیه

هر تکبیر اشاره به مرتبه‌ای از توحید دارد. تکبیر اول به توحید ذاتی، تکبیر دوم به توحید صفاتی و تکبیر سوم به توحید افعالی اشاره می‌کند. یک معنای آن این است که خدا ذاتاً، صفتاً و فعلاً بزرگتر از آن است که من بتوانم به حق معرفت او نائل شوم. خدا بزرگتر از آن است که من بتوانم او را آن‌گونه که هست، بشناسم. همان جمله‌ی رسول خدا ﷺ که فرمودند: «مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ»<sup>۳</sup> خدایا! آن‌گونه که حق معرفت تو بود، ما نتوانستیم تو را بشناسیم. پس یک معنای این سه تکبیر این است: «اللَّهُ أَكْبَرُ» از اینکه آن‌گونه که حق شناخت اوست، خدا را در مقام فعل بشناسم؛ «اللَّهُ أَكْبَرُ» از اینکه خدا را در مقام صفات بشناسم و «اللَّهُ أَكْبَرُ» از اینکه خدا را در مقام ذات بشناسم.

---

<sup>۲</sup>. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۵۲ و مجلسی، بحار، ج ۸۳، ص ۲۲ و محدث‌نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۵۱ و صدوق، المقنع، ص ۹۷.

<sup>۳</sup>. مجلسی، بحار، ج ۶۸، ص ۲۳ و صدوق، توحید، ص ۱۱۴ و صدرالدین شیرازی، شرح اصول کافی، ج ۳، ص ۴۳۷.

به احتمال دیگر ممکن است این سه بار تکبیر به این معنا باشد که خدا ذاتاً، صفتاً و فعلاً  
عظیم‌تر از آن است که من بتوانم حقّ عبادت او را به جا بیاورم. «اللهُ أَكْبَرُ»، «اللهُ أَكْبَرُ»، «اللهُ  
أَكْبَرُ».

سه بار تکبیر گفتن به این معنا هم می‌تواند باشد که نه در ظاهر، نه در باطن و نه در سِرِّم  
نتوانستم حقّ عبادت خدا را به جا بیاورم. یعنی نمازش را خوانده است، بعد از نماز اعتراف  
می‌کند: خدایا! این نماز، شایسته‌ی تو نبود و نتوانستم حقّ عبادت تو را به جا بیاورم. «ما  
عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ»<sup>۴</sup>

یک معنای تکبیرات اختتامیه هم این است که «اللهُ أَكْبَرُ» خدا بزرگتر از آن است که در  
ذات، صفات و افعال شریکی داشته باشد. هستی منحصر به اوست؛ صفات هم منحصر به  
اوست و فاعل مطلق هم در عالم اوست و در حقیقت غیر او فاعلی وجود ندارد.  
تکرار سبب تمکین، نهادینه شدن و تثبیت می‌شود؛ که در بحث ذکر مفصل بیان  
کرده‌ایم.<sup>۵</sup> یکی از دستاوردهای سه بار «اللهُ أَكْبَرُ» گفتن این است که انسان این حقایق را  
مکرّر (سه بار) به خود تلقین می‌کند، تا به عمق وجودش راه پیدا کند و تثبیت شود.

شاید معنای دیگر «اللهُ أَكْبَرُ» در تکبیرات اختتامیه این باشد که عبادت انجام شده‌ی خود،  
یعنی این نمازی که الآن خواند، را پشت سر می‌اندازد و می‌گوید: خدایا! ببین دستانم  
خالی است. هیچ ندارم! دستم خالی خالی است. نه اینکه نماز خواندم و حالا یک چیز

۴. مجلسی، بحار، ج ۶۸، ص ۲۳ و صدوق، توحید، ص ۱۱۴ و صدرالدین شیرازی، شرح اصول کافی، ج ۳، ص ۴۳۷.

۵. مهدی طیب، شراب طهور، ص ۳۰۶ - ۳۱۲ و آدرس لینک در سایت اهل ولاء، سخنان استاد، مباحث سخنان عرفانی، شرح کتاب شراب طهور  
و بازخوانی و شرح مختصر کتاب مصباح الهدی (۱)، ترک‌های مربوط به ذکر.

دست‌پرکن دارم که به شما عرضه کنم. نه؛ دستم خالی است؛ «الله اکبر». نماز من چه نمازی است! مفت نمی‌ارزد! نمازم را پشت سرم انداختم؛ «الله اکبر». دل به نمازم نمی‌بندم؛ تکیه به نمازم نمی‌کنم و چشم امیدم به نمازم نیست؛ بلکه به فضل، رحمت و عنایت تو است. این‌گونه نگاه کردن سبب می‌شود که از مقام عجب و خودپسندی در اثر عبادت هم نجات پیدا کند. چون هنگامی که فرد عبادت خود را چیز چشم‌پرکن و دست‌پرکنی دید، ممکن است مغرور شود؛ دچار خودپسندی و عجب گردد و به خدا ناز و به خلق برتری و فخر بفروشد؛ اما وقتی این‌گونه نگاه کرد، از خطر عجب هم نجات پیدا می‌کند.

این سه تکبیر و حرکت دست می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد. هر بار که می‌گوید: «الله اکبر»، یک مرتبه از معرفت توحیدی خود را پشت سر می‌اندازد. می‌گوید: از شناختی که من از فعل تو دارم، «الله اکبر»؛ تو بزرگتر از آن هستی. این معرفت من هم به درد نمی‌خورد و متناسب با حق تو نیست. معرفتی که به صفات تو دارم، از توصیفی که تو را کردم، «الله اکبر». از معرفتی که به ذات تو دارم، «الله اکبر».

معنای عمیق‌تری از اسرار تکبیرات این است: بحث نماز را که شروع کردیم، اول نماز تکبیرات افتتاحیه را داشتیم. تکبیرات افتتاحیه، هفت تکبیر بود که در هفتمین تکبیر فرد نیت تکبیرة الاحرام می‌کرد. فرد در ابتدای نماز صعود می‌کند؛ بالا می‌رود و عروج می‌نماید؛ «الصلاة معراج المؤمن». مؤمن به معراج می‌رود. رسیدن به درگاه الهی امکان‌پذیر نیست مگر اینکه شخص بتواند هفت حجاب سر راه را کنار بزند. اینکه درها به روی او

۶. مجلسی، بحار، ج ۷۹، ص ۳۰۳ و قمی، سفینة البحار، ج ۲، ص ۲۶۸ و مجلسی، روضة المتقین، ج ۲، ص ۶.

گشوده شود تا بتواند در این سفر معراج به محضر حق وارد شود، منوط به این است که هفت حجاب سر راه او کنار برود. هریک از آن تکبیرات سبب می‌شد یکی از حجاب‌ها کنار برود. احادیث معراجیه‌ی رسول الله ﷺ را مفصل برایتان خوانده‌ایم؛ به آنها مراجعه کنید. الآن فرصت نیست بگویم هر تکبیر در هر آسمان برای پیغمبر ﷺ چه کار می‌کرد و در سفر معراج چگونه راه را برای آسمان بالاتر باز می‌کرد! همان‌طور که تکبیرات در صعود این کار را می‌کرد؛ حجاب‌ها را کنار می‌زد و راه را برای رفتن به محضر الهی باز می‌کرد؛ در نزول هم که شخص نمازش را خوانده است، سلام نماز را داده و اکنون به این عالم برمی‌گردد؛ هنگامی که از مقام وصول و مقام فنای محض به حالت صحو بعد المحو و هوشیاری بعد از ناهوشیاری می‌رسد، این تکبیرات کارکردی دارند. می‌گوید: تجلیات ذاتیه، اسمائیه، صفاتیّه و افعالیّه‌ی حضرت حق هم بر قلب نمی‌شود مگر با رفع همین حجاب‌ها. با تکبیرات این سه حجاب را کنار می‌زنند. در رجوع هم این تجلیات بر قلب سالک نمی‌شود، مگر با رفع حجب از طریق تکبیرات اختتامیه.

نمازگزار بعد از سلام با هر «الله اکبر» که می‌گوید و دستش را بالا می‌آورد، در تکبیر اول جلوه‌ی ذات الهی را در حضرت اسماء و صفات می‌بیند؛ یعنی یک پله پایین‌تر. اکنون دستش را بالا می‌برد و می‌گوید: «الله اکبر»؛ یعنی تعینات اسمائیه و صفاتیّه‌ی حق متعال حجاب ذات نیستند. با «الله اکبر» اول حجاب بودن تعینات اسمائیه و صفاتیّه را نفی می‌کند. در تکبیر دوم تجلیات اسمائی را در حضرت اعیان (که همان اعیان ثابته‌اند) می‌بیند. گفته‌ایم در شعاع اسماء حق، اعیان ثابته که طرح عالم خلقت در علم حضرت حق هستند؛ محقق می‌گردد. در تکبیر دوم می‌گوید اعیان ثابته نمی‌توانند مانع تجلیات

اسمائی و ذاتی شوند. در شعاع اعیان ثابت، اعیان خارجی، یعنی موجودات عالم خلقت به وجود آمدند. نمازگزار در تکبیر سوم به تجلیات افعالی توجه می‌کند؛ یعنی تجلیات ذاتی و اسمائی را در آئینه‌ی مخلوقات عالم خلقت و اعیان خارجی می‌بیند و می‌گوید: اعیان خارجی، حجاب برای تجلیات ذاتی، اسمائی و صفاتی حضرت حق نیستند. پس چنین رمز و رازی هم در تکبیرات اختتامیه وجود دارد؛ چون از بالا، یعنی از ملاقات با حق، لقاء خدا و مناجات با او برمی‌گردد و پایین می‌آید؛ هر مرتبه‌ای که پایین می‌آید، آن مرتبه حجاب مرتبه‌ی بالاتر نیست. با «الله اکبر» آن حجاب را کنار می‌زند. در مرتبه‌ی آخر در اعیان و موجودات جهان خلقت خدا را می‌بیند و تجلیات اسمائی، صفاتی و ذاتی حق متعال را مشاهده می‌کند. از اینجا می‌توان فهمید تکبیرات اختتامیه در برابر تکبیرات افتتاحیه‌اند. تکبیرات افتتاحیه در سیر صعودی و بالارفتن و برای شهود تجلیات از ظاهر به باطن است؛ چون نمازگزار در تکبیرات افتتاحیه از ظاهر به سمت باطن حرکت می‌کند و بالا می‌رود. از تجلیات افعالی شروع می‌کند؛ به تجلیات اسمائی، صفاتی و سپس تجلیات ذاتی می‌رسد. این سیر صعودی نمازگزار است. در تکبیرات افتتاحیه هر بار که دست‌ها را بالا می‌برید، یک حجاب را برای رفتن به بالاتر کنار می‌زنید، تا به قرب معنوی و معراج حقیقی برسید. تکبیرات اختتامیه (یعنی سه «الله اکبر» آخر نماز) برای تجلیات از باطن به ظاهر است. قبل از نماز از ظاهر به باطن می‌رفتید؛ اکنون که نماز تمام می‌شود، از باطن به ظاهر می‌روید. از تجلیات ذاتی، به تجلیات اسمائی، صفاتی و نهایتاً تجلیات افعالی می‌آید. هر دست بالا بردن به این معنی است که مرتبه‌ی پایین حجاب برای مرتبه و مراتب بالاتر خود نیست.

بنابراین یکی از تعقیبات، سه تکبیری است که بعد از سلام نماز گفته می‌شود و فضیلت فوق‌العاده‌ای هم دارد. الحمدلله تقریباً همه‌ی ما به این مقید هستیم و شاید توجه هم نداشتیم که تکبیرات اختتامیه جزء مستحبات است. افراد به‌مثابه بخشی از نماز به آن عادت کرده‌اند و آن را انجام می‌دهند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ